رازو رمز بقاونفوذ
نهضت حسینی
در میان شیعیان





راز و رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی در میان شیعیان

نویسنده:

محمد منصورنژاد

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راز و رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی در میان شیعیان

مشخصات کتاب

نویسنده : محمد منصور نژاد

ناشر : محمد منصور نژاد

چکیده

این نوشتار با استفاده از روش پژوهش اکتشافی یا تولید انگاره در پی پاسخ به این پرسش است که چرا عکس العملی که شیعیان برای شهادت امام حسین علیه السلام دارند، برای هیچ کس دیگر، حتّی پیامبر صلی الله علیه وآله ندارند.وجود فضایلی چون جق طلبی، حماسه آفرینی، فداکاری و... در حماسه حسینی و پیام معنوی قیام امام حسین علیه السلام و وجوه جامعه شناختی و روان شناختی و سیاسی قیام برخی از عواملی است که قیام آن حضرت را جاودانه می سازد، امّا تأثیر عزاداری ها بر خلق و خوی و فرهنگ مردم و تأثیرپذیری عزاداری ها از عوامل دیگر را نمی توان نادیده گرفت. این عوامل همگی دست به دست هم داده و نهضت حسینی را نافذ و ماندگار ساخته است.کلیدواژه ها: قیام امام حسین علیه السلام، عزاداری، شیعه، بقا و نفوذ نهضت عاشورا، پیام ها و اثرات نهضت عاشورا.

مقدمه

۱. مسئله و سؤال پژوهش:آیا حضور انسان هایی با جمعیت میلیونی با لباس عزا، بر سر و سینه زنان در ایّام محرّم و عاشورا، ذهن کاوشگری را تحریک نمی کند که چه عواملی این همه انسان ها و خصوصاً جوانانی را - که به راحتی زیر بار فرمان، پیام و خواسته کسی نمی روند - از خانه ها بیرون کشیده و با آن خضوع و خشوع و هماهنگی به عرصه ها می کشاند؟ این کنش فردی و جمعی حداقل در ماه محرّم، یک حرکت عادی و معمولی نبوده و جای تأمل فراوان دارد. از جمله پرسش های برانگیخته شده، آن است که رمز ماندگاری و نفوذ نهضتی در قرن ها قبل تاکنون، با کمّ و کیفی این چنین را باید در کجا جست؟به عبارت واضح تر، پرسش اساسی آن نیست که رمز جاودانگی نهضت

حسینی به عنوان یکی از جریانات حق طلبانه در تاریخ چیست؟ زیرا هم این پرسش درباره همه جریانات و اشخاص حق طلب (اعم از دینی مثل ابراهیم و موسی و عیسی و... و غیر دینی) جای طرح دارد و حیطه پرسش، به افراد و جریان های باطل نیز می رسد و جا دارد بپرسیم که چرا یاد آدمکشانی چون اسکندر، چنگیز و یزید در تاریخ جاودانه شد؟پس بحث این نوشتار، پرسش از جاودانگی مطلق نیست؛ بلکه پرسش اساسی آن است که چرا عکس العملی که شیعیان برای شهادت امام حسین علیه السلام دارند، برای هیچ کس دیگر، حتّی پیامبر صلی الله علیه وآله که اشرف آدمیان است، ندارند؟ (در فرهنگ شیعی مراسم سوم و هفتم برای پیامبر صلی الله علیه وآله نمی گیرند، چه رسد به اربعین)، حضور فراگیر، تأثیرات عجیب و غریب، هماهنگی های بالا در میان عزاداران، فداکاری ها و از خود گذشتگی ها، عزاداری مداوم و گاه تا اربعین برای شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، آن هم پس از قریب ۱۴ قرن، آیا جای این پرسش را ندارد که رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی با این کمّ و کیف از کجاست؟ [۱] .آنچه جای تأسف دارد، فقدان مباحث اساسی و ذو ابعاد در موضوع است. [۲] گرچه این نوشتار موجز را نیز تنها باید درآمدی بر موضوع تلقّی نمود و تفصیل بحث را باید به فرصت دیگر و یا به صاحبان اندیشه و قلم واگذاشت.۲. روش پژوهش:واضح است که یک کار گسترده و عمیق، برای پاسخ به چنین سؤال سنگینی، نیاز به پژوهش های وسیع از طرق معتبر دارد. از جمله روش های پژوهش عبارت اند از: اوّل:

پژوهش میدانی و بهره بردن از تکنیک مصاحبه و پرسش نامه و سپس تحلیل محتوای مطالب؛ دوم: پژوهش اکتشافی یا تولید انگاره (Hypothesis generating Study). در این شیوه، با بهره بردن از مقدمات نسبتاً مشهور و مقبول، سعی در طرح ایده ها و فرضیه هایی پیرامون پرسش اصلی مقاله می گردد، که روش مختار این مقاله نیز همین روش اخیر است.در ضمن، اقتضای بحث حاضر و موضوع مورد بحث (نهضت حسینی و تأثیرات آن)، یک بحث بین رشته ای است و از این رو، از زوایای متعدد و با لسان و ابزارهای رشته های مختلف علمی، به بحث پرداخته خواهد شد.۳. مقام تعلیل و تحلیل:در این نوشتار کوتاه، نه در «مقام توصیف» مراسم و عزاداری ها نشسته ایم. که البته جای پژوهش داشته و آثار مکتوب در این حوزه نیز اندک است؛ و نه در «مقام تجویز» به داوری نشسته و نقد بر جریانات و مراسمات داشته و برای شیوه مطلوب نسخه پیچی می کنیم (البته در این زمینه تا حدّ خوبی تلاش هایی صورت پذیرفته است)؛ بلکه سطح و مقام مورد توجّه و تأمّل، «مقام تعلیل و تحلیل» است. یعنی چرایی حضور عجیب و غریب و همگانی مردم ایران و حداقل شیعیان در مراسم عزای حسینی، مورد بحث و مداقّه قرار خواهد گرفت و فرضیه سازی خواهد شد.

بررسی موضوع

۱. آیا می دانیم که چرا یاد سقراط در تاریخ، با عظمت باقی مانده است و از او به نیکی یاد می شود؟ گرچه از زمان قتل او بیش از ۲۵ قرن گذشته و مثلاً ربطی به ما ایرانیان ندارد. آیا هرگز از خود پرسیده ایم که چرا نام «رستم» و حماسه های او بر صفحه جان ما ایرانیان می درخشد

و فراموش ناشـدنی است؟ و آیا....شایـد پاسخ اجمالی بدین پرسـش های در حدّ فرضـیه ای آن باشد که برخی از فضایل برای همه آدمیـان در همه اعصـار و مکـان هـا، زیبایی داشـته و جـذّاب بوده و قابل احترام انـد و به تبع آنها، صاحبان آن فضایل نیز نامشان به نیکی یاد می شود. سـقراط کشـته راه آگاهی بخشـی و روشنگری و هنر رستم، دفاع حماسی از این مرز و بوم است. چون پایـداری در آگاهی بخشـی و حق گویی زیبا است و فـداکاری مطلوب، صاحبان این فضایل نیز جـذّاب و ماندگارنـد، از این رو، نـام بسـیاری از صاحبـان فضایـل انسانی در صـفحه جان ها می مانـد.آیا نمی توان رمز بقا و نفوذ نهضت حسـینی را به فضـایلی که در کربلاـ موج می زنـد (حق طلـبی، حمـاسه آفرینی، فـداکاری [۳] و...) بازگردانـد؟ این پاسـخ غلـط نیست؛ ولی جامعیت ندارد. زیرا کسی برای صاحبان فضایل مثلاً سقراط [۴] و رستم، هر سال به خیابان ها می ریزد و این همه موج آفرینی ندارد و این آتش زدن قلوب و به حرکت در آوردن ها، خاصّ نهضت حسینی در میان شیعیان است. از این رو، پرسش اساسی بحث، حتّی با توجّه به نکته یاد شـده، بی پاسـخ می مانـد. از این رو سابقاً اشاره شد که رمز جاودانگی یک مطلب است و رمز جاودانگی به شیوه نهضت حسینی، بحثی دیگر.۲. آیـا در یک نگاه «عرفانی - اخلاقی»، نمی توان بر روی این نکته تأمل نمود که اگر آدمیـان واجـد سه بُعـد وجودی «جسم»، «عقـل» و «قلب (دل)» هسـتند، هر سه بُعـد یاد شـده نیاز به تغـذیه دارنـد و اگر پذیرفته باشد که از بین این ابعاد، قلب و دل از سایر ابعاد مهم تر است، غذای مربوط به این

حوزه نیز پر اهمّیت تر از سایر ابعاد خواهد بود؟اگر چنین باشد، نیاز قلبی و عطش باطنی پاسخ می طلبد و همه انسان ها به دنبال آن هستند که به نحوی به این خواسته، پاسخ مطلوب بدهند. از این جاست که پیام معنوی همه اولیای خدا و حتّی پیامبران غیر توحیدی نیز دل ها را می لرزاند. پیام بیش از ۳۰۰۰ سال قبل «بودا» و «کنفوسیوس»، میلیون ها انسان را به دنبال خود کشانده و سیراب می کند. چه رسد به پیام هایی که دستی بر آسمان دارند که علی القاعده جامع ترند. رمز پایداری ادیان در میان بیشتر ملّت ها را باید در این نیاز عمیق بشر جست.اگر چنین است، آیا نمی توان با این عامل به تحلیل نهضت حسینی پرداخت که این جریان برای قلب ما آدمیان، غذاهای مطبوع و دل پذیر فراوان دارد؟ اگر در کربلا فقط «عشق» وجود داشت و دیگر هیچ، آیا این غذا برای انسان ها کم اهمّیت دارد؟ آیا غذایی بهتر از عشق، برای قلب می توان توصیه کرد؟ چرا حتّی عشق های زمینی امثال «لیلی و مجنون» فراموش ناشدنی است؟ با این اوصاف و با این توجیه، رمز ماندگاری نهضت حسینی را در نیاز فطری، باطنی و قلبی آدمیان به غذاهای معنوی، باید جست و امام حسین علیه السلام این عطش را به خوبی و فراوانی برطرف می کند.توجّه به این عامل در رمز بقای نهضت حسینی خطا نیست، ولی جامع الاطراف نیست؛ زیرا پیام معنویت و غذای قلبی فقط در سفره امام حسین علیه السلام نیست، گرچه دیگران مانند ایشان مورد توجّه و عنایت و محبوبیت قرار نگرفته اند. عجیب است که مردم و یاران حتّی غیر هاشمی امام حسین علیه السلام در کربلا،

امثال «حر بن یزید ریاحی» را بیشتر از بعضـی معصومان علیهم السـلام می شناسند و با آنها انس دارند. از طفل شش ماهه و سه ساله تأثیراتی می گیرنـد که از غالب انبیای الهی نمی گیرنـد. پس رمز این گستردگی نفوذ و مانـدگاری در نهضت حسـینی را در این عامل تنها نبایـد جست و این موضوع همچنان جای بررسـی دارد و این پرسـش هنوز هم پاسخ می طلبد. این جاست که کم کم باید به تأثیر عوامل خاکی، بشـری و حتّی غیر معنوی در ماندگاری و نفوذ نهضت نیز اشاره داشت.۳. آیا از بُعد «جامعه شناختی» نمی توان به تفسیر رمز و راز بقا و نفوذ نهضت کربلا نشست؟ به نظر می رسد که از این بُعد نیز بر نکات چندی می توان به مطالعه و تفکّر نشست:۱ - ۳. بازیگران و میدانـداران این عرصه، افراد محـدود نیسـتند؛ بلکه این رخداد، کار گروهی سنگین، پیچیـده، هماهنـگ، موزون و هدفـدار است و کـار گروهی و تشـکیلاتی اگر در جهت ایثارگری، فـداکاری، معنویت خواهی، فضیلت طلبی و... باشد، بسیار ماندگارتر از کار فردی و شخصی است. این نحوه شهادت، امام حسین علیه السلام را از سایر معصومان علیهم السـلام ممتاز و متمایز نموده و از این رو، شخصـیتش نافـذتر است.۲ - ۳. از جهت «جامعه شـناختی» این نکته نیز در خور تأمـل است که بردن اهـل و عیـال و خانواده به همراه خود، در ثبت جزء به جزء حوادث و ادامه نهضت و نقل حوادث پس از روز عـاشورا، از عوامـل مؤثّر انتقـال آگـاهی های مربوط به نهضت کربلا است. اگر نهاد خانواده اهمّیت دارد، وفاداری ها در آن بالا است. اعضای آن نزدیک ترین افراد به همدیگر تلقی می شوند،

برای انتقـال پیام نهضت نیز اعضای خانواده، محق ترین و مؤثرترین افرادنـد. از این رو، نهضت حسـینی می توانـد دقیق و جامع الاطراف حوادث آن، ثبت و منتقل شده و برای مشـتاقان نقل و در خاطره ها ماندگار شده و از آن تأثیر بگیرند.۳ - ۳. همچنین پدیـده کربلاـ در قـالب نهضـتی مـوّاج ظـاهر شـده که جریانـات اجتمـاعی مختلـف را دامن زده شـکل داده و مضـمحل کرده (پراکنـدگی تجمّع یـاران مسـلم)، که خود به خود سـرنوشت این جریانـات و گروه ها، قابلیت ثبت و ضـبط از سوی مورّخان و ناقلان را یافت و به دیگران منتقل شد.۴ - ۳. این جریان و نهضت، از سوی نهاد «روحانیت» به جـد مورد توجّه قرار گرفته و بر روی آن تبلیغ شد. تنها امامی که شـهادت او حوزه های علمیه را بیش از ده روز به تعطیلی می کشانَد، امام حسـین علیه السلام است. از این رو، از جهت جـامعه شـناختی، تـأثیر تلاـش هـای این شـأن اجتمـاعی بر افکار عمومی را نمی توان نادیـده گرفت. خصوصاً که جـدای از روحانیت، مجالس حسـینی از سوی هنرمنـدان در قالب های متعدد، شـعر، نوحه، مرثیه، شبیه خوانی و... نیز با لسان تشبیه، تمثیل، اسـتعاره، مجاز و... بسط داده شـده و حتّی گاه به تحریف لفظی و معنوی نیز کشانـده شده است، ولی همین تحریف ها نیز در جـذّاب و نافـذ نمودن ابعاد نهضت، اثر مثبت داشـته انـد. [۵] .۵ - ۳. از بُعـد دیگری نیز حضور عظیم مردم، بررسـی جـامعه شـناختی را می طلبـد. زیرا این نکته قابـل پرسـش و تأمـل است که چگونه این حرکـات جمعی، منظّم و مکمّل در ایّام خاص، در بین جمعیت عظیمی به ظهور می پیوندند؟ ممکن است خاستگاه این تجمّع عظیم

را به سنّت های دینی بازگرداند. امّا نکته اساسی آن جاست که چرا چنین سنّت کم نظیر و عجیبی به وجود می آید؟ این هویت جمعی دینی، چگونه و چرا خلق می شود؟ چه چیزی سبب کنش جمعی هر ساله مردم است؟گرچه ممکن است این حرکات را به «عادت ها» بازگرداند و تحلیل نمود و گفت چون فرد در فرهنگ شیعی، از کودکی با مراسم حسینی انس می گیرد، والدین، او را به مراسم عزاداری می برند و لباس سیاه بر او می پوشانند، پرچم و علایم عزا به دستش می دهند و خود او نیز در نوجوانی و جوانی اندك اندك این مراسم را تجربه می کند. از این رو، این سنّت اجتماعی به صورت عادتی در جان او رسوخ کرده و تا حدّی ناخود آگاه در ایام محرّم او را حسّاس نموده و به مراسم ها کشانده و به رعایت حرمت ها و حریم هایی وادار می کند. امّا باز می توان بحث را بیشتر ریشه یابی نموده و به تحلیل خاستگاه عمیق تر این عادت ها و سنّت ها نشست.مثلاً این پرسش را که چرا یك فرد به سمت کار گروهی و کنش جمعی کشانده می شود، می توان به مباحث عمیق فلسفی و جامعه شناختی بازگرداند که انسان از روی فطرت و یا غریزه، مدنی الطبع است (و حتّی اگر متوحش بالطبع نیز باشد، مدنی بالعقل است و به حسب ضرورت های عقلانی، نیاز به جمع، گروه و اجتماع دارد) و برای این که به جمعی نزدیك شود، معمولاً کسانی که با او هم سنخ ترند را مناسب تر تشخیص می دهد. حادثه کربلا، از عوامل وحدت بخش همه شیعیانی است که در فرهنگ شیعه با هم مسانخت دارند و احساس پیوند می کنند.از این رو، کنش جمعی مثل ایام

عـاشورا شـکل می گیرد و این حـادثه، کنش جمعی را از آن رو برای همه بیشتر تسـریع می کنـد که در طیّ قرون و اعصار، به رمز و رازها، اسـطوره ها، اعجاز و کرامت ها و... پیونـد خورده است. بنابر این جذّاب تر و قابل توجّه تر و ماندگارتر است.۶ – ۳. بدین نکات مطلب دیگری را نیز می توان افزود که هویت ها معمولاً در مقابل هویت های مخالف شـکل می گیرند. مراسم عزاداری از علایم و نمودها و جلوه هایی است که فرهنگ شـیعی را در مقابل سایر فرهنگ ها و خصوصاً در مقابل هویت اهل سنّت بازشناسـی می کند. فرهنگ اهل سنّت، فرهنگ حاکم جهان اسلام در اغلب قرون اوّلیه بوده و شیعه در اقلّیت بوده است. این جمع محـدود و محجور، به در کنـار هم بودن، علایـم و ویژگی هـای خاص داشـتن و از دیگران باز شـناخته شـدن و طرح مفـاخر فرهنگی و شخصـیتی خود، نیاز داشـته و این نیاز در هویت سازی شـیعیان، انگیزه های لازم را برای در کنار هم بودن و ابراز وجود در ایـام خـاص، از طرق مختلف می داده است. و شـعله نهضت حسـینی نسـبت به سایر موضوعات، بهانه مناسب تر برای وحدت و مقاومت و نزدیکی بوده است.پس به نظر می رسد که حادثه کربلا را به عنوان یک پدیده اجتماعی و با ادبیات علم جـامعه شـناختی نیز می توان به مطـالعه نشـست و زوایای ناگفته ای از آن را باز گفت و ابعاد ناشـناخته ای را تحلیل نمود. این نگـاه، با همه محاسـنش، خصوصاً ابعاد معنوی نهضت، کاملاً توفیق نـدارد و بایـد رمز و راز بقا و نفوذ نهضت را از زوایای دیگر نیز کاوید.۴. آیا نمی توان در رمز و راز تأثیر فراگیر نهضت حسینی بر بزرگ

و کوچک، زن و مرد، فقیر و غنی و... به عوامل «روان شناختی» نیز اشاره داشت؟ یعنی آیا علاوه بر ابعاد معنوی نهضت، این حضور در صحنه ها خاستگاه روانی در افراد نیز ندارند؟ مثلاً ـ در کدام مراسم، تجمع، گردهمایی، راهپیمایی و... افراد می توانند تا این حد ابراز وجود کنند، خود را اثبات و مطرح نموده و مقبول و مطلوب دیگران نیز بیفتند؟ تنها در مراسم مربوط به کربلا است که اگر فردی نیروی بدنی دارد، می تواند علم حمل کند، اگر خوش صدا است، می تواند بخواند، اگر پول دارد، خیرات کند و وجهه کسب کند، اگر ضعیف است، طعامی بخورد و سینه ای بزند، اگر قمه کش است، قمه بزند. اگر لطیف القلب است، اشک بریزد و اگر توان و انگیزه حضور فعال در عرصه را ندارد، به تماشای مراسم جذّاب و ذو ابعاد و وسیع بنشیند و لذت معنوی و دنیایی ببرد، و اگر زن است، به جای گوشه نشینی، به کوچه ها بریزد و در عرصه ها به صورت موجّه و بی اشکال حاضر باشد، و اگر روحیه مدیریتی دارد، هیأتی را مدیریت کند و اگر...به عبارت دیگر، از جهت روان شناختی، چون در این مراسم ها در شرایط حاضر، همه افراد می توانند فعّالانه و آزادانه کنش جمعی داشته و ابراز وجود کنند، پس در نتیجه انگیزه لازم را برای از خانه بیرون زدن و در کنار دیگران بودن دارند و این جاست که نیاز به اجبار و اکراه از سوی دیگران نداشته و از حضور در عرصه ها، در محرم استقبال می کنند.از بُعد دیگری نیز حضور چشمگیر مردم خاستگاه روان شناختی می تواند داشته باشد. گفته شد که پیام عاشورا معنوی و قرین با فضیلت

است. امّا با سایر پیام ها و فضیلت ها، این تفاوت جدی را دارند که در مقاطعی از اجرای مراسم حسینی جلوگیری شده است. از زمان شهادت آن حضرت و عصر اموی ها گرفته، تا زمان بنی العباس و به دست امثال متوکل ها، قبر و مزار امام حسین علیه السلام به آب بسته شده و مشتاقان زیارت او، تحقیر، تنبیه و حتّی کشته شده اند. در عصر جدید نیز امثال رضا شاه پهلوی سعی در جلوگیری از مراسم حسینی و منابر و دسته روی ها داشته اند و حال آن که انسان از جهت روان شناختی این خصلت را دارد که نسبت به چیزی که بازداشته می شود، حرص و رغبت عجیب و شدیدی از خود نشان می دهد و گفته اند که: «الإنسانُ حَریصٌ عَلی ما مُنِع». اگر دولت ها سعی کردند که مردم عزاداری نکنند، مردم حسّاس شدند که این مراسم را تقویت کنند و در مخفیگاه ها به پا نمایند و بر آنچه منع شده اند، اهتمام ورزند.از نگاه این عامل، خاستگاه نهضت حسینی، صبغه فردی و روانی دارد و این خاسته، گرچه می تواند معنوی باشد، ولی لزوماً آسمانی و آخرتی نیست. از این رو، با این که به تعبیر امام حسین علیه السلام، مردم بنده دنیا هستند و دینداری لقلقه زبان آنها است (الناسُ عَبیدُ الدنیا والدینُ لَعِقٌ عَلی ألسِنَتِهِم)، ولی برای پاسخگویی به نیازهای شخصی، فردی و روانی خود، در این حرکات جمعی حضور فعّال دارند و در بستر این نهضت، دستاوردهایی را دارند که در جای دیگر ندارند. این جا به گونه ای می توانند مورد توجّه، حمایت و تشویق قرار گیرند که در جای دیگر حضورشان مورد اقبال نیست. این عامل نیز حداقل تبیینگر رفتار کثیری از آنانی

که بـا حرارت، عشـق، شور و معنویت، به نحوی در عزاداری هـا مشـارکت دارنـد، نیست و از این رو، بایـد به عوامـل دیگر نیز توجّه داشت.۵. از نگاه «سیاسـی»، قدرتمندان و حکّام تا چه حد در بقا و نفوذ نهضت حسـینی مؤثّر بوده اند؟ بی شک، حداقل در ایران، تأسـیس دولت صفوی و رسمیت تشیّع به عنوان مذهب رسمی کشور، در گسترش بخشیدن به آداب و مناسک شیعی و از جمله عزاداری هـای نهضت کربلاـ بسـیار مـؤثّر بـوده است و از آن پس، در عصـر قاجـار نیز تبلیـغ مـذهب تشـیّع توسّـط حکومت، در بسط شـعائر شـیعی بی تأثیر نیست. ولی چنانچه اشاره شـد، اگر منع دولتی نتیجه عکس می دهـد، تبلیغ و جـدّیت دولت ها در رسـمی و حکومتی کردن نهضت کربلا، از عمق آن کاسـته و چه بسا عکس العمل منفی مردم را نیز در پی داشـته باشـد. ضـمن این که اگر گستره و عمق نهضت حسـینی و عزاداری هـای آن را کاملاًـ به دولتمردان مثلاًـ صـفویه گره بزنیم، با سقوط صـفویه نیز باید این حضور و مشارکت و به سر و سینه زدن ها، افول کند و حال آن که چنین نشد.شاید بتوان از عوامل بقا و اسـتمرار نهضت حسـینی و علایق و دل بسـتگی ها شدیـد مردم را از آن جهت دانست که مدیریت تشـکل های مذهبی و هیئت حسینی و اعضا و افراد شرکت کننده، عمدتاً غیر دولتی است و نهادهای فرهنگی مدنی از دلایل ایجاد علایق مردم است. از دلایل اقبال مردم به نهضت حسـینی آن است که غالباً خودجوش و از پایین بوده، نه این که به دولت ها گره خورده باشد.از این رو، اگر عوامل سیاسی را در توسعه و گسترش عزاداری ها در مقاطعی مؤثّر

بـدانیم، هم این تأثیر همیشـگی و همگانی نبوده و هم لزوماً باعث تعمیق، اقبال و پـذیرش مردمی نمی شـده و چه بسا در مقابل آن عکس العمـل هـا نیز شـکل می گرفته است.امّـا در یـک سـطح محـدودتر، می توان از جهت سیاسـی نیز دلایل مانـدگاری نهضت حسینی و تـأثیرات آن را بررسـی نمـود و آن بُعـد ظلم سـتیزی، اسـتبدادگریزی، عـدالتخواهی و نامشـروع تلقّی نمودن سلاطین عصـر است. این بُعد سیاسـی نهضت حسـینی، برای آنانی که سـر ستیز با حکّام عصر و سلاطین وقت را داشتند، دست مـایه بسـیار ارزشـمندی بوده که به تأسّـی از نهضت کربلاـ حرکـات خودشـان را توجیه کننـد و به آن نشاط و شور بخشـند و مبارزان را به پایداری و مقاومت بکشانند. همچنین نیاز داشـتند که از تکّه تکّه و شـخص شخص کربلا، در راستای تلاش خود بهره برند و با زنده نگه داشتن یاد حسین و کربلا، کربلاهای دیگر خلق نمایند.۶. نکته دیگری نیز که جای تأمّل دارد، جذّابیت امام حسـین علیه السـلام و نهضـتش برای برخی نخبگان فکری – سیاسـی حتّی غیر مسـلمان است. مثلاً چرا باید در قرن بیسـتم، امثال «گانـدی» ها از امام حسـین علیه السـلام سـخن بگوینـد و این نهضت برای اینان نیز جـذّاب و نافـذ باشـد؟ در پاسخ بدین پرسـش می تـوان گفت که:اوّلاًـ چنین متفکّران و مصـلحان و محییـانی، به جهـات موقعیت جغرافیـایی و یـا تضـارب و تعـامل فرهنگی بـا فرهنـگ شـیعی و بـا شـیعیان، از نزدیـک حرکـات شور انگیز و گروهی شـیعیان را در هاله ای از قـداست و قرین با عزاداری ها و اشک ها دیده اند و از این جهت حداقل در اذهانشان این سؤال مطرح می شد که این حسین کیست

کـه چنیـن دیگران را بـه سـر شـوق و غم می آورد؟ثانیـاً: نهضت حسـینی در ابعـاد مختلفی، پیـام هـای عمیـق دارد. هم در بُعد اخلاقی، عزّت بخش و قرین با معنویت بوده و هم در بُعد سیاسـی - اجتماعی حامل پیام حماسه و مقاومت است. از این رو، هر مصـلحی که به دنبـال درمـان درد جوامع خود باشـد، به تناسب نیاز و خلأی که حس می کرده است، از این دریای حسـینی به انـدازه ظرفیت وجودی خود بهره برده است و از نهضت حسـینی تأثیر گرفته و درباره آن به داوری نشسـته و از فضایل حسـینی گفته است. از جهت کـارکرد مثبت، نهضت حسـینی در میـان برخی غیر مسـلمانان و غیر شـیعیان نیز بـاقی مانـده و نفـوذ عمیق داشته است.

جمع بندی و نتیجه گیری

درباره عزاداری های حسـینی به صورت فراگیر و همگانی، حداقل از دو زاویه می توان به تأمّل نشسـت:اوّل: تأثیر این عزاداری ها بر خلق و خوی و فرهنگ مردم: در این صورت، این عزاداری ها به صورت «متغیّر مسـتقل» مورد توجّه قرار می گیرند (شیوه و کـاری که نگارنـده در کتـاب تـأثیر عزّت و افتخـار حسـینی بر نهضت و انقلاب اسـلامی انجام داده است)؛دوم: تأثیر پـذیری عزاداری هـا از عوامـل دیگر: در این صورت حضور در صـحنه مردم به صورت «متغیّر وابسـته» مورد تأمّل قرار خواهـد گرفت. کاری که به تبع پرسـش این نوشتار (راز و رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی در طیّ اعصار و قرون چیست؟)، به صورت موجز در این جـا مورد عنایت قرار گرفته است.بـد نیست حاصل بحث، با بهره گرفتن از تمثیلی بیان شود: اگر آتشـی را در جایی ببینیم، حداقل از دو جهت درباره آن می توان به تحقیق نشست: اوّل آن که

شعله برافروخته شده از چه چیزی بوده و تا چه حد قوی و نیرومند است؟ دوم آن که، محیط برای مشتعل شدن این شعله تا چه حد مساعد بوده است؟ زیرا مثلاًـ شعله کبریت بر روی خاك و سنگ خاموش می شود و تنها در فضای مساعد است که خانمانسوز بوده و یا مفید می افتد.در تعلیل آتشی که از نهضت حسینی بر جان حداقل شیعیان افتاده و هر روز شعله ورتر نیز می گردد، می توان پرسید که تا چه حد، این آتش به خود شعله و امام و یارانش باز می گردد و تا چه اندازه بسترها و محیط بر آن مؤثرند؟از جهت خود شعله می توان گفت که:۱. آتش کربلا متأثّر از شمشیر و منتهی به خون بوده که در مقابل مرگ عادی و یا قتل بدون خونریزی، جانسوزتر و جان گدازتر است.۲. این شعله، گروهی و جمعی بوده و از شعله فردی، سوزاننده تر است.۳. از طفل صغیر تا پیران را در خود داشته، که برای همه اقشار جذّابیت دارد.۴. میدانداران اصلی آن از خاندان وحی بوده و شخصیت کلیدی نهضت، امام معصوم بوده است.۵. این نهضت، توسّط دیگر افرادی که حاضر و ناظر بودند، به خوبی پرورانده شده و به دیگران منتقل شده است.۶. این کشته شدن، قرین با معنویت، طهارت و قداست بوده و نیز به فضیلت های بشری مثل عزّت، وفای به عهد، عشق، وحدت و... محفوف بوده است که برای دینداران و حتّی افراد بی دین حامل پیام است.۷. و نهایتاً این که، نباید در خاص و ویژه کردن این شعله، از رذالت و دنائت لشگریان عمر سعد نیز چشم پوشی کرد، که شعله حق خواهی، مظلومیت و عزّت طلبی را به

شدّت مشتعل نمودند.امّا از جمله بسترها و عوامل بیرونی که در رمز و راز ماندگاری و تعمیق نهضت مؤثّرند، عبارت اند از:۱. وجود نیاز فطری و باطنی انسان ها به معنویت، فضیلت، حماسه و پیام های سازنده. زیرا نهضت حسینی غذای روحی سالم، برای همه مشتاقان و شیفتگان دارد.۲. منع و انکار قدرت های عصر، در حسّاس و درونی کردن نهضت بی تأثیر نبوده است. چنانچه بعضی از حکّام نیز در گسترش دادن عزاداری ها و مراسم حسینی بی نقش نبوده اند.۳. از بُعد روانی نیز افراد مختلف و از طرق گوناگون می توانند در این مراسم خود را یافته و اثبات کنند و لذا حضور در عزاداری ها، برای آنان جذّاب است.۴. از بُعد جمعی، هویت یابی شیعیان در مقابل پیروان سایر مذاهب و نیاز انسان ها به زندگی جمعی با همکیشان و همسنخان، از دلایل کنش های جمعی مذهبی و نیز در رابطه با این نهضت است. به عبارت دیگر، عمده شدن سنّت عزاداری و تبدیل به عادت جمعی شدن، خاستگاه های درونی تر در آحاد جامعه دارد.۵. نقش بازیگری غیر دولتی و نهادهای مدنی و خودجوش در تقویت، تثبیت و تعمیق نهضت را نباید دست کم گرفت. چون حرکت های از پایین و مردمی، معمولاً ـ بیشتر مورد اقبال دیگران قرار گرفته و نافذتر و ماندگارترند.۶. نقش هنر در درونی کردن نهضت در قالب های مختلف (وعظ، شعر، مرثیه، شبیه خوانی، نقاشی و...) و ماندگاری آن، بسیار قابل توجّه می باشد.۷. ذو ابعاد بودن نهضت، حتّی دامنه پیام های این رخداد را به اماکن و اشخاصی که به گونه ای با شیعیان مرتبطاند، نیز رسانده و در نتیجه، این نهضت گسترش بیشتر یافته و ماندگارتر شده است.۸. اُنس انسان های معمولی به اسطوره و

حوادث پر رمز و راز، بر قداست و تأثیر گذاری این نهضت اثر ویژه داشته است (و در تقدّس زایی نباید از ویژگی های فردی امام حسین علیه السلام نیز غفلت کرد) و...نهایتاً این که، در این پژوهش کوتاه، با هدف «اکتشافی»، تلاش بر آن بوده است که در پاسخگویی به این پرسش که «چرا نهضت حسینی تا این حد، نافذ و ماندگاری باقی مانده است؟» از زوایای متعدّد فرضیه هایی مورد توجّه قرار گرفته و مقدّمه ای برای بحث اساسی و عمیق در موضوع فراهم آید. امید است که مطلوب افتد و مقبول واقع شود.

پاورقی

[۱] نگارنده، بر روی این پرسش سابقاً نیز تأمّلاتی اندک داشته است؛ ولی در کنگره اخیر مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام (اسفند ۱۳۸۱)، وقتی سخنران مراسم افتتاحیه، با پاسخ های سطحی به این پرسش اساسی پرداخت (مثلًا اخلاص یا ویژگی های وراثتی و خانوادگی امام حسین را رمز بقا و نفوذ گسترده نهضت می دانست و حال آن که چنین ویژگی هایی را سایر معصومان نیز واجدند)، عزم جزم شد تا تأمّل بیشتری بر موضوع داشته باشد.

[۲] در منابع مشهوری چون مقاتل که مباحث تحلیلی نیامده است. و در کتب نویسندگان معروف تاریخ معاصر ایران، مثل حسین وارث آدم (شریعتی)، یا مقاله حسین بن علی و جلال الدین رومی (از کتاب قمار عاشقانه، دکتر عبد الکریم سروش)، پرتوی از عظمت حسین علیه السلام (آیت اللّه صافی)، پس از پنجاه سال پژوهش پیرامون قیام امام حسین علیه السلام (دکتر سیّد جعفر شهیدی) و... نیز به سؤال اصلی مورد بحث پرداخته نشده و تنها نگاه های محدود و یا ناقص و غیر قانع کننده ای به پرسش در منابع زیر منعکس شده

است: آیتی محمّد ابراهیم، بررسی تاریخ عاشورا، کتاب خانه صدوق، ۱۳۴۷، ص ۱۲۸ - ۴۷؛ چوبینه سجاد، نگاه فلسفی به جریان عاشورا، انتشارات ابرار، ۱۳۷۷، ص ۸۲ - ۵۹؛ باقی نصر آبادی علی، عوامل پایداری و جاودانگی نهضت عاشورا، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۴۸ - ۷۴.

[۳] گفته اند که «تعرف الأشیاء بأضدادها»، از راه های شناخت یک چیز، شناخت جبهه مقابل آن است. اگر در کربلا، فضیلت در یک طرف لشکر موج می زند، اقسام رذیلت ها از سوی لشکر مقابل دیده می شود که که باعث شناخته شدن فضایل و صاحبان فضایل گردیده و هم ایجاد مظلومیت خاص نموده، که قلب ها را جریحه دار کرده و تأثیر زاید الوصفی دارد و هم سبب شده که هیچ مورّخی آن عصر را بررسی نکند، مگر آن که از امام حسین و یارانش بگوید و لذا نهضت حسینی ثبت و ضبط و ماندگار شد.

[۴] برای آشنایی بیشتر با سقراط حداقل ر. ک: برن ژان، سقراط، ترجمه دکتر ابوالقاسم پور حسینی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (چاپ دوم) ۱۳۷۴؛ ورنر شارل، حکمت یونان، ترجمه بزرگ نادرزاد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (چاپ دوم) ۱۳۷۳، ص ۷۳ - ۴۲.

[۵] بزرگانی در مقابل این تحریفات ایستاده اند که حاج حسین نوری، مؤلّف لؤلؤ و مرجان و استاد مطهری در تحریفات عاشورا از دیگران مشهورترند. در نوشتار حاضر پرسش آن نیست و دغدغه نیز آن نبوده که آیا این حضور عمومی مردم در قالب های مختلف صواب است یا ناصواب، درست یا نادرست، زلال است یا غیر زلال و... بلکه مجموعه این حضور با همه حسن و عیبش مورد توجّه است و چرایی این مشارکت، عجیب

مورد توجّه است و بحث در حسن و عیب، مربوط به مقام تجویز است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹